

زمان و مکان ایفاء تعهدات قراردادی

مرتضی جوان سرند^۱

چکیده

اصلی‌ترین هدف متعاملین در انعقاد قرارداد اجرای مفاد قرارداد می‌باشد. در نتیجه هر قرارداد، طرفین تعهداتی را برعهده می‌گیرند که مکلف به ایفاء آن تعهدات هستند. البته که تعهدات باید در زمان و مکان مورد توافق و مقرر در قرارداد ایفاء گردند که این شرایط گاهی در قرارداد مشخص نشده است و یا نمی‌توان از متن قرارداد تشخیص داد در اینصورت با استناد به قانون حاکم بر قرارداد می‌توان زمان و مکان اجرای تعهدات را مشخص کرد. در پژوهش حاضر به بررسی زمان و مکان اجرای تعهدات قراردادی به صورت تطبیقی در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی پرداخته شده که با توجه به این قوانین در برخی موارد بین تعهدات پولی و غیرپولی تفکیک قائل شده و در بعضی موارد دیگر هیچ اشاره‌ای به این مسئله نشده است که نشان از یکسان بودن قوانین نسبت به تعهدات پولی و غیرپولی دارد. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی درخصوص زمان ایفاء تعهدات قراردادی صراحتاً به مسئله ایفاء تعهد پیش از موعد اشاره کرده و این در حالیست که قانون مدنی ایران اجرای پیش از موعد را مستقلاً مورد بررسی قرار نداده اما با توجه به برخی مواد می‌توان حکم قانون مدنی را در مورد این موضوع تشخیص داد.

واژگان کلیدی: تعهدات قراردادی، زمان و مکان، ایفاء تعهدات، قراردادهای تجاری بین‌المللی

مقدمه

از جمله مهمترین بخش هر قراردادی، تعهداتی هستند که به موجب قرارداد، طرفین برعهده می‌گیرند و مکلف به ایفاء آن تعهدات در زمان و مکان مقرر هستند. از جمله راه‌های سقوط تعهدات ایفاء تعهدات می‌باشد. بنابراین این تعهدات باید در زمان و مکان مقرر بطور صحیح و کامل ایفاء گردد. اما در پاره‌ای از موارد زمان و مکان اجرای تعهدات توسط طرفین معامله تعیین نمی‌گردد و حتی به صورت ضمنی نیز از متن قرارداد مشخص نمی‌باشد و یا باتوجه به شرایط متعهد، ایفاء کلی تعهدات امکانپذیر نبوده و گاهی تعهدات خود را به صورت جزئی ارائه می‌کند. بنابراین هریک از قوانین مورد مطالعه یعنی قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۱ برای این شرایط قوانین خاصی را در نظر گرفته‌اند که متعهد باید طبق این قوانین تعهدات خود را ایفاء کند.

در واقع اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نشان دهنده کاریست که توسط گروهی از متخصصان تحت هماهنگی پروفیسور بُنل^۲ تهیه شده است که در سال ۱۹۹۴ منتشر شد و منبع بحث بین‌المللی می‌باشد. در حالیکه برخی از این ایده دفاع می‌کنند که نوعی تلاش برای وحدت قانونگذاری است، دیگران نیز بر این باورند که این صرفاً یک مطالعه تطبیقی بین حقوق و راه‌حل تعهد می‌باشد (Glitz, 2014: 208). این اصول توسط محققان و کارشناسان مستقلی از سیستم‌های مختلف حقوقی و مناطق ژئوپلیتیک مختلف جهان تحت نظارت موسسه بین‌المللی برای یکسان‌سازی حقوق خصوصی تهیه شده است و تنها تفاوت اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی با سایر سیستم‌های حقوقی نرم این است که توسط یک سازمان بین‌دولتی تحت نظارت بوده و به تصویب رسیده است (Can Aksoy, 2014: 95-94). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نه یک کنوانسیون و نه یک مدل حقوقی می‌باشد. این اصول باید بعنوان قوانین اصلی در نظر گرفته شوند که هدف آن رسیدن برای تعادل بین منافع رقابتی می‌باشد و مقدمه آن شرایطی را بیان می‌کند که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بدان می‌پردازد. این زمانی مشهود است که طرفین اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی را بعنوان قانون حاکم بر قرارداد انتخاب می‌کنند (Carr, 2014 : 90). در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ذیل هر ماده نظراتی نوشته شده است که این نظرات شرح دهنده در هر کدام از ماده‌ها می‌تواند بعنوان ابزاری برای افزایش توسعه مداوم دادرسی موثر باشد. از طریق این شرح‌ها اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌تواند منطق هریک از ماده‌ها را توضیح دهد و تفسیر کننده را در استفاده از آن راهنمایی کند (Kono & others, 2018: 93)، که در این تحقیق از آن نظرات استفاده شده است.

¹ UNIDROIT or UPICC

² Joachim Bonell

حال باتوجه به قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی به این سوال‌ها از جمله اینکه آیا متعهد می‌تواند تعهدات خود را به صورت جزئی ارائه دهد؟ و اینکه آیا متعهد می‌تواند تعهدات خود را قبل از زمان موعود ایفاء کند؟ و اینکه آیا متعهدله حق رد ایفاء تعهد پیش از زمان موعود را دارد؟ و اینکه آیا امکان الزام متعهد از سوی حاکم به بیشتر یا کمتر از آنچه برعهده دارد وجود دارد یا نه؟ و چندین سوال دیگر در مورد اختیارات متعهد در صورت انتخاب بازه زمانی برای اجرای تعهد و همچنین مکان ایفاء تعهدات قراردادی پاسخ می‌دهیم.

در این مقاله در گفتار اول، زمان اجرای تعهدات قراردادی در حقوق ایران در صورت تعیین و عدم تعیین زمان ایفاء و در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در صورت تعیین زمان ثابت و بازه زمانی مشخص می‌پردازیم. و در گفتار دوم مکان اجرای تعهدات قراردادی را در هر دو قانون مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- بررسی زمان اجرای تعهدات قراردادی در حقوق ایران

باتوجه به قانون مدنی ایران و کتب برخی از حقوقدانان این چنین می‌توان استنباط کرد که زمان اجرای تعهدات قراردادی در حقوق ایران به شکل تعیین و عدم تعیین زمان توسط متعاملین بررسی می‌شود.

۱-۱- ایفاء تعهدات قراردادی در صورت تعیین زمان

۱) ایفاء تعهد در زمان موعود

آنچه بدیهیست اجرای تعهد در زمان موعود می‌باشد که طبق ماده (۲۱۹) قانون مدنی که مقرر می‌دارد: (عقودی که برطبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است ...) متعهد مکلف است در زمان مشخص و تعیین شده که طرفین در آن به توافق رسیده‌اند تعهد خود را ایفاء کند. همچنین ماده (۳۹۴) ق.م. که مقرر می‌دارد: (مشتری باید ثمن را در موعود و در محل و برطبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید). متعهد را به ایفاء تعهد در زمانی که متعاملین با توافق در قرارداد تعیین کرده‌اند الزام می‌کند. با استناد به ماده (۲۷۷) ق.م: (متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد). در برخی موارد متعهد به دلیل شرایطی که در زمان ایفاء دارد متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از تعهد می‌کند یا به عبارت دیگر متعهد توانایی اجرای قسمتی از تعهد را دارد و قسمت دیگر را به زمان دیگری موکول می‌کند که در این صورت متعهدله می‌تواند این اجرا را قبول نکند اما در مقابل متعهد نیز می‌تواند با ارائه درخواست به دادگاه خواستار اجرای جزئی بوده و حاکم نیز باتوجه به شرایط وی قرار اقساط صادر کند. اصل بر اجرای کلی تعهد می‌باشد و متعهد

مكلف است تعهدات خود را به یکباره ایفاء کند مگر در شرایطی که توانایی ایفاء نداشته باشد که در این صورت باتوجه به شرایط متعهد، تعهد می‌تواند با قرار دادگاه به صورت جزئی نیز اجرا شود.

۲) ایفاء تعهد قبل از زمان موعد

قانون مدنی ایران صراحتاً به این موضوع اشاره‌ای نکرده است هرچند متعهد مکلف به ایفاء دین در زمان موعد می‌باشد اما در پاره‌ای از موارد متعهد از این امر صرف‌نظر کرده و تعهد خود را قبل یا بعد از زمان مقرر ایفاء می‌کند که این امور قابل بررسی هستند. باتوجه به چندین ماده از قانون مدنی می‌توان استنباط کرد که قانون مدنی ایران بطور ضمنی ایفاء پیش از موعد را پذیرفته است. از جمله این مواد ماده (۷۱۵) ق.م.هست مقرر می‌دارد: (هرگاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آن را بدهد مادام که دین حال نشده است نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند). باتوجه به اینکه موضوع ماده مربوط به عقد ضمان می‌باشد اما ایفاء تعهد قبل از موعد را توسط ضامن پیش‌بینی کرده و بطور ضمنی مورد تأیید قرار داده است. باتوجه به ماده (۲۶۶) ق.م: (در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد اگر متعهد به میل خود ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود). یعنی اگر مدیون دین موجل خود را پیش از موعد بپردازد حق استرداد آن را ندارد زیرا از امتیازی که داشته صرف‌نظر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۳۰). البته اگر موعد انجام تعهد به سود هر دو طرف قرارداد باشد، مدیون نیز پیش از فرا رسیدن آن حق اجرای تعهد را ندارد ولی هرگاه به سود متعهد باشد او می‌تواند از این امتیاز بگذرد و دین را زودتر بپردازد ولی طلبکار باید به انتظار موعد بماند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۲۲).

با آنکه متعهد به اجرای پیش از موعد عقد ملزم نیست اما هرگاه بخواهد چنین اقدامی انجام دهد نمی‌توان حق مطلق برای وی در نظر گرفت به استناد اینکه هر مشروط الهی اختیار دارد از شرط صرف‌نظر کند می‌توان به او اجازه داد تا پیش از موعد مقرر نسبت به ایفاء تعهد خود اقدام کند اما مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که طرفین عقد هر دو ذینفع اجل هستند. بنابراین، اجرای پیش از موعد تنها به اراده متعهد وابسته نیست و موافقت متعهدله نیز لازم است (شعاریان و قربان‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۲).

۳) تأخیر در اجرای تعهد

چنانچه گفته شد مطابق قانون متعهد ملزم به ایفاء تعهد در زمان موعد می‌باشد اما در برخی موارد متعهد از این امر تخطی کرده و تعهدات خود را با تأخیر اجرا می‌کند که در پاره‌ای از موارد موجب ایجاد خسارت در طرف مقابل می‌شود که در این صورت متعهدله مطابق قانون مدنی می‌تواند متعهد را ملزم به اجرای تعهد و یا پرداخت خسارت کند. باید توجه داشت که الزام به ایفاء تعهد با الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد متفاوت است. در پاره‌ای از تعهدات امکان ایفاء تعهد خارج از زمان موعد وجود دارد که در

اینصورت متعهدله می‌تواند متعهد را بااستناد به ماده (۲۲۰) ق.م: (عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند). متعهد را ملزم به اجرای تعهد کرده و پس از آن باتوجه به ماده (۵۲۰) ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹: (برای مطالبه خسارت وارده خواهان باید ثابت کند که زیان وارده بلافاصله ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بود است). با اثبات خسارت وارد آمده متعهد را ملزم به پرداخت خسارت و اجرای تعهد کند. در بعضی تعهدات که اجرای آنها خارج از زمان مقرر ممکن نیست در این صورت متعهدله می‌تواند متعهد را تنها به پرداخت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد ملزم کند.

البته بحثی که بهتر است به آن اشاره کنیم تفاوت بین شرط وجه التزام و خسارت تأخیر اجرای تعهدات می‌باشد. شرط وجه التزام به هنگام قرارداد و قبل از وارد آمدن ضرر به متعاملین بعنوان شرط ضمن عقد واقع می‌شود که متعهدله در صورت عدم اجرای تعهد از سوی متعهد می‌تواند با استناد به شرط وجه التزام مقرر شده در قرارداد، متعهد را ملزم به پرداخت وجه التزام کند. اما در خسارت تأخیر در اجرای تعهد که این حق بعد از انعقاد قرارداد و بعد از ایجاد خسارت به متعهدله ایجاد می‌شود، متعهدله می‌تواند با استناد به ماده (۲۲۱) ق.م متعهد را به پرداخت خسارت تأخیر در اجرای تعهد ملزم کند. لازم به ذکر است که مطالبه خسارت عدم انجام تعهد هیچگاه با درخواست اجرای اصل آن جمع نمی‌شود: یعنی طلبکار نمی‌تواند اجبار مدیون به وفای عهد و خسارت را باهم بخواهد. زیرا، پولی که از این بابت پرداخت می‌شود بدل انجام اصل تعهد است و ۱۲۵ طلبکار حق ندارد اصل دین و بدل آن را باهم مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۶۸). باتوجه به ماده (۲۳۰) ق.م خسارت تأخیر ایفاء تعهد متغیر بوده و بعد از محاسبه خسارات می‌توان متعهد را ملزم به پرداخت خسارت وارد آمده کرد اما در شرط وجه التزام حاکم نمی‌تواند متعهد را به بیشتر یا کمتر از آنچه که محکوم شده ملزم کند زیرا آن شرط در قرارداد براساس توافق طرفین مقرر شده و قابل تغییر نیست مگر به اراده طرفین.

۱-۲- ایفاء تعهدات قراردادی در صورت عدم تعیین زمان

با استناد به ماده (۳۴۴) ق.م که مقرر می‌دارد: (اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع با تأدیه قیمت موعودی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر اینکه برحسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارته وجود شرطی یا موعودی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد). شرایط ایفاء تعهدات قراردادی با ترتیب و نظم خاصی اعمال می‌شود که قابل توجه هستند.

اگر در قرارداد برای ایفاء تعهدات قراردادی زمان خاصی توسط متعاملین تعیین نشده باشد ابتدا زمان ایفاء تعهدات از حکم عرفی تبعیت می‌کند زیرا با استناد به ماده (۲۲۴) ق.م: (الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه) عرف و عادت اراده ضمنی طرفین را تشکیل می‌دهد. بنابراین تعهد باید در زمان مقرر عرفی ایفاء شود

(صفایی، ۱۳۹۶: ۲۶۲). بعد از حکم عرفی اگر به کمک قراین و شواهد و حکم عرف نتوان زمان مشخصی برای ایفاء تعهد معین کرد، در این صورت تعهد حال محسوب می‌شود یعنی باید فوراً و به تعبیر روشن‌تر در کوتاه‌ترین مدت ممکن بعد از انعقاد قرارداد اجرا شود و این قاعده مزبور از مواد مختلف قانون مدنی به ویژه ماده (۳۴۴) ق.م و بند ۳ ماده (۴۹۰) ق.م قابل استنباط می‌باشد (همان، ۲۶۳). مثلاً هرگاه کسی صد کیلو آلبالو در زمستان بخرد و زمان تأدیه آن را مشخص نکرده باشند تأدیه آن در زمان پیدایش آلبالو در بازار خواهد بود و هرگاه کسی یخ بخرد و موعد تسلیم آن در عقد ذکر نشده باشد، کارخانه یخ باید آن را در مدت گرمای تابستان بدهد نه در وسط زمستان (امامی، ۱۳۹۵: ۳۸۳).

حال اگر متعهد با وجود این شرایط تعهدات خود را ایفاء نکند و از این امر تخطی کند، متعهدله با استناد به ماده (۴۰۲) ق.م که مقرر می‌دارد: (هرگاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده برای تأدیه ثمن یا تسلیم مبیع متبایعین اجلی معین نشده باشد، اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد بایع مختار در فسخ معامله می‌شود). می‌تواند با رعایت شرایط مربوط به خیار تأخیر ثمن که مواد (۴۰۳) تا (۴۰۹) قانون مدنی را شامل می‌شود، قرارداد را فسخ کند اما باید توجه داشت که این خیار صرفاً شامل بایع می‌شود و برای مشتری از جهت تأخیر در تسلیم مبیع این اختیار نمی‌باشد. مشتری نیز می‌تواند با استناد به ماده (۲۲۰) ق.م: (عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند). بایع را به پرداخت خسارتی که نتیجه عدم اجرای تعهد توسط وی می‌باشد، ملزم کند و اگر وجه التزام در قرارداد تصریح شده باشد با استناد به ماده (۲۳۰) ق.م: (اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی بعنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چیزی که ملزم شده محکوم نماید)، مشتری می‌تواند بایع را به پرداخت وجه التزام ملزم کند.

۱۲۶

۲- زمان اجرای تعهدات^۱ قراردادی در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در فصل ۶ صراحتاً به زمان اجرای تعهدات قراردادی و نحوه ایفاء آنها پرداخته است و به چند موضوع در این خصوص اشاره دارد که به ترتیب و به صورت مستقل قابل بررسی هستند.

^۱ Time of performance

۲-۱- زمان اجرای تعهدات

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده (۶-۱-۱) به زمان اجرای تعهدات قراردادی به ترتیب و در ۳ بند پرداخته است. این ماده از ماده (۳۳) کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا الهام گرفته شده و در خصوص تعیین زمان ایفاء سه وضعیت را در نظر گرفته است.

۱) ایفاء تعهدات قراردادی در صورت تعیین زمان ثابت^۱

در بند یک ماده (۶-۱-۱) باتوجه به اصطلاحات استفاده شده تعیین زمان به صورت صریح و ضمنی را در نظر گرفته است با این مضمون که؛ اگر قرارداد زمان دقیقی را شرط کند یا زمان اجرا از متن قرارداد قابل تعیین باشد در این صورت متعهد باید در زمان مقرر که متعاملین در آن به توافق رسیده‌اند یا از قرارداد قابل تعیین می‌باشد تعهدات قراردادی خود را ایفاء کند. باید توجه داشت که این بند برای نوع زمانی هست که به صورت ثابت و مشخص تعیین شده باشد.

۲) ایفاء تعهدات قراردادی در صورت تعیین بازه زمانی

بند دو ماده فوق‌الذکر شرایطی را در نظر گرفته است که در آن طرفین قرارداد برای ایفاء تعهدات قراردادی در یک بازه زمانی مشخص به توافق رسیده‌اند که متعهد می‌تواند در آن بازه زمانی تعهدات خود را ایفاء کند. در واقع دوره زمانی مشخص برای ایفاء تعهد برای متعهد آزادی عمل می‌بخشد زیرا متعهد در آن دوره، هر زمانی که بخواهد می‌تواند تعهد خود را ایفاء کند مگر اینکه شرایط نشان دهنده این موضوع باشد که طرف دیگر قرار است یک زمان تعیین کند که در این صورت متعهد ملزم به ایفاء تعهد در آن زمان می‌باشد. البته با استناد به ماده (۱-۱۱) در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، این نوع از بازه زمانی را در قراردادهای بلند مدت برای ایفاء تعهدات قراردادی پیش‌بینی کرده است.

۳) زمان ایفاء تعهد در موارد دیگر

در بند سه همان ماده به زمان ایفاء تعهداتی که مشخص نشده باشند یا بطور دقیق‌تر به غیر از دو حالت فوق‌الذکر باشند پرداخته است. باتوجه به متن بند سوم، تعهدات قراردادی در شرایطی غیر از شرایط دو حالت اول، پس از سپری شدن یک زمان معقول بعد از انعقاد قراردادی توسط متعهد ایفاء می‌گردد. البته باید در نظر گرفت که مدت زمان معقول معمولاً از شرایط قرارداد برداشت می‌شود که بستگی به موضوع و ماهیت تعهد دارد. فصل ۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده (۴-۶)، مبهم بودن برخی شرایط را در قرارداد پیش‌بینی کرده است. اگر این مدت زمان معقول به پایان برسد و متعهد تعهد خود را ایفاء نکند متعهدله

¹ Fixed time

می‌تواند با استناد به برخی مواد فصل ۷ مانند (۷-۱-۵) از خود دفاع کرده و خسارت ناشی از عدم ایفاء را مطالبه کند.

در ماده (۶-۱-۲) اصول قراردادهای تجاری بین‌الملل بنحویه اجرای بندهای دوم و سوم ماده (۶-۱-۱) اشاره کرده است که در آن متعهد را ملزم به ایفای یکباره تعهدات خود کرده به شرطی که تعهد، قابلیت ایفاء در یک مرحله را داشته باشد و شرایط خلاف آن را نشان ندهد. در شرح رسمی این ماده مقرر شده است که اجرای تعهدات قراردادی توسط متعهد گاهی به یکباره انجام می‌شوند مانند تحویل یک چیز، و گاهی برخی تعهدات نه در یک زمان و یک مرحله بلکه در یک بازه زمانی انجام می‌شوند که ایفاء آن مستلزم زمان می‌باشد. مانند قراردادهای ساخت‌وساز. اجرای جزئی در موارد مشخص شده در حکم عدم اجرا می‌باشد. لذا اصل بر اجرای یکباره قرارداد می‌باشد مگر اینکه ماهیت تعهد و یا شرایط خلاف آن را نشان دهد.

۲-۲- ایفاء جزئی تعهدات قراردادی

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده (۶-۱-۳) بطور مستقل به مسئله اجرای جزئی تعهدات قراردادی پرداخته است. البته این ماده نباید با ماده (۶-۱-۲) که پیش‌تر توضیح داده شد اشتباه گرفته شود زیرا ماده پیشین صرفاً برای حل مشکلات مقدماتی که ممکن است در خصوص موارد مخصوص و مشخص که در ذیل ماده ذکر شده است، مطرح شده است و اجرای جزئی تعهدات را شامل نمی‌شود. با توجه به شرح ذیل ماده (۶-۱-۳) از آن جائیکه متعهدله حق دارد که ایفاء تعهدات را در زمان موعود تحویل بگیرد بنابراین می‌تواند پیشنهاد ایفاء جزئی از سوی متعهد را رد کند. اهمیتی ندارد که این پیشنهاد با ارائه اطمینان به حفظ تعادل ایفاء همراه باشد یا نه. برای مثال شخص الف می‌خواهد در کشور دیگر شعبه دفتری دیگری را ایفاء کند بنابراین در یک کشور دیگر فضایی اداری در یک ساختمان در حال ساخت‌وساز اجاره می‌کند و متعاملین به توافق می‌رسند که در یک زمان مشخص ده دفتر تحویل داده شود، تا اینکه در زمان موعود از ده دفتر تنها چهار دفتر آماده تحویل بود و متعهد اطمینان داد که تا یک ماه آینده شش دفتر دیگر آماده تحویل هستند. با وجود ارائه اطمینان از سوی متعهد، متعهدله این ایفاء جزئی را نپذیرفت.

معمولاً ایفاء جزئی تعهدات فسخ قرارداد را تشکیل می‌دهد یا به عبارت دیگر زمینه فسخ قرارداد را ایجاد می‌کند که در این صورت متعهد می‌تواند به جبران خسارت متوسل شود. البته در پاره‌ای از موارد نیز ممکن است متعهد با حفظ حق و حقوق خود برای فسخ قرارداد ایفاء جزئی را قبول کند که در این صورت دیگر نمی‌توان با اجرای جزئی بعنوان عدم ایفاء رفتار کرد. باید توجه داشت که رد ایفاء جزئی از سوی متعهدله مستلزم وجود نفع مشروع می‌باشد زیرا در بند یک ماده (۶-۱-۳) صراحتاً بیان شده است که متعهد می‌تواند اجرای جزئی را رد کند مگر اینکه هیچ نفع مشروعی نداشته باشد. با این حال متعهد نیز می‌تواند در خصوص

مواردی که متعهدله هیچ نفع مشروعی ندارد با اثبات عدم وجود نفع مشروع برای متعهدله تعهد خود را ایفاء کند و اگر متعهدله در این شرایط از قبول ایفاء امتناع کند در این صورت متعهد می‌تواند با استناد به ماده (۷-۱-۲) از ایفاء تعهد کناره‌گیری کند.

۳-۲- ترتیب ایفاء تعهدات قراردادی

ماده (۶-۱-۴) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی به ترتیب ایفاء تعهدات قراردادی مشمول بر دو بند پرداخته است که در آن به ایفای همزمان تعهدات و همچنین ایفاء برخی تعهدات زودتر از تعهدات مقابل اشاره کرده است.

۱) بند اول ماده (۶-۱-۴)

براساس بند اول این ماده؛ در قراردادهایی که متعاملین در برابر هم تعهداتی را برعهده دارند، به حدی که ایفای تعهدات آنها بتواند بطور همزمان ایفاء گردد، طرفین مکلفاند تعهدات خود را بطور همزمان ایفاء کنند مگر اینکه شرایط خلاف آن را نشان دهد. بنابراین متعاملین در وهله اول با وجود شرایط مکلف به ایفاء تعهدات قراردادی بطور همزمان هستند.

۲) بند دوم ماده (۶-۱-۴)

در بند دوم ماده فوق‌الذکر شرایطی را پیش‌بینی کرده است که براساس آن، وقتی در معاملات دوطرفه^{۱۲۹} متعاملین نسبت به یکدیگر تعهداتی را برعهده می‌گیرند، اگر ایفاء یکی از تعهدات ملزم یک دوره زمانی باشد در این صورت اولویت ایفاء با همان تعهد می‌باشد. به عبارت دیگر؛ اگر طبیعت تعهد یکی از متعاملین به یک مدت زمان برای ایفاء نیاز داشته باشد مانند: قراردادهای ساخت‌وساز و یا قراردادهای خدمات، متعهد در اینگونه موارد مکلف است تا تعهدات خود را قبل از طرف مقابل ایفاء کند. البته در قراردادهای ساخت‌وساز مبلغ قرارداد معمولاً با توافق طرفین به صورت اقساطی و یا پیش‌پرداخت می‌شود.

۴-۲- ایفاء پیش از موعد تعهدات قراردادی

باتوجه به ماده‌های ابتدایی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی که مربوط به اصل آزادی قراردادها می‌باشد مانند ماده‌های (۱-۱) و (۳-۱) و (۵-۱) متعاملین می‌توانند با توافق خود قرارداد را حتی بعد از انعقاد اصلاح کنند (Bonell, 1997 : 96). بنابراین با رعایت شرایطی امکان ایفاء زود هنگام تعهدات وجود دارد. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده (۶-۱-۵) بطور مستقل و مفصل به موضوع اجرای پیش از موعد تعهدات قراردادی در (۳) بند پرداخته است که قابل بررسی هستند:

(۱) اختیار متعهدله در رد ایفاء قبل از موعد

در شرح رسمی ذیل ماده فوق‌الذکر به حق متعهدله برای رد ایفاء زود هنگام اشاره کرده است. باتوجه به این شرح متعهدله می‌تواند پیشنهاد اجرای زود هنگام از سوی متعهد را رد یا قبول کند. البته که متعهدله می‌تواند اجرای زود هنگام را در حکم عدم ایفاء در نظر بگیرد و معامله را فسخ کند و بالعکس می‌تواند با حفظ این حق، ایفاء قبل از موعد را قبول کند. اگرچه با استناد به این ماده، متعهدله حق دارد که پیشنهاد ایفاء از سوی متعهد را رد کند اما شرطی قید شده است که باتوجه به آن متعهدله زمانی می‌تواند ایفاء پیش از موعد را رد کند که نفع مشروع در رد ایفاء داشته باشد. البته این حکم نیز ناشی از رعایت اصل حسن نیت است که درباره آن در ماده (۷-۱) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اشاره شده است (همان). باتوجه به شرایط گفته شده لازم به ذکر است که با اثبات وجود ضرر برعهده متعهد می‌باشد و متعهد می‌تواند با اثبات اینکه متعهدله هیچ نفع مشروعی در رد ایفاء پیش از موعد ندارد تعهد خود را ایفاء کند و اگر متعهدله از قبول این ایفاء امتناع کند در این صورت متعهد می‌تواند با استناد به ماده (۷-۱-۲) از ایفاء تعهد خود کناره‌گیری کند. تحت ماده (۱) ۵۲ کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا خریدار ممکن است به عمد اجرای پیش از موعد را رد کند. در واقع حق رد ایفاء زود هنگام را بدون قید و شرط حق متعهدله دانسته است. این در حالیست که در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی این حق، مشروط بر انتفاع مشروع می‌باشد (Felemegas, 2007: 175).

۱۳۰

(۲) تاثیر قبول ایفاء پیش از موعد بر سایر تعهدات

باتوجه به بند دوم ماده (۶-۱-۵) در قراردادهای دوطرفه که متعاملین نسبت به یکدیگر تعهداتی را برعهده دارند در این صورت با قبول ایفاء پیش از موعد از سوی متعهدله، هیچ تاثیری بر زمان ایفاء تعهدات طرف مقابل نخواهد گذاشت. در واقع اجرای زود هنگام تعهدات از سوی متعهد باعث نمی‌شود که طرف مقابل تعهدات خود را نیز پیش از موعد انجام دهد. بنابراین متعهدله تعهدات خود را در مقابل متعهد در زمان مقرر ایفاء می‌کند. البته در برخی قراردادهای ایفاء یک تعهد به ایفاء تعهد مقابل بستگی دارد یا به عبارت دیگر؛ ایفاء تعهدات مستقل از یکدیگر نبوده و لازمه ایفاء یک تعهد، ایفاء تعهد مقابل می‌باشد. مانند: تحویل ثمن در زمان تحویل مبیع که در این شرایط متعهدله می‌تواند ادعای عدم آمادگی برای ایفاء تعهدات خود کرده و پیشنهاد ایفاء زود هنگام توسط متعهد را رد کند.

(۳) هزینه‌های اضافی ناشی از ایفاء پیش از موعد

ممکن است قبول ایفاء قبل از موعد هزینه‌های اضافی به هر دو طرف قرارداد یا یکی از آنها به بار آورد که در بند سوم این مسئله را پیش‌بینی کرده و مقرر داشته است؛ هزینه‌های اضافی صرف‌نظر از طرق جبران برعهده متعهد می‌باشد.

۲-۵- انتساب پرداختها

در برخی قراردادها ممکن است تعهدات متعددی در قبال یک متعهدله برعهده متعهد باشد و در اینگونه شرایط بعضاً متعهد در زمان ایفاء تعهد مشخص نمی‌کند که این ایفاء منتسب به کدام تعهد می‌باشد که ماده (۶-۱-۱۲) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی به این موضوع پرداخته است.

۱) ترتیب انتساب ایفاء

باتوجه به بند یک ماده (۶-۱-۱۲) متعهدی که تعهدات متعددی را در برابر یک متعهدله برعهده دارد می‌تواند در زمان ایفاء تعهدات مشخص کند که این اجرا برای کدام تعهد می‌باشد. البته ایفاء تعهد در تعهدات متعدد ترتیب خاصی دارد که در این ماده به آن اشاره شده و با استناد به آن در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تعهد ابتدا به هزینه‌های آن منتسب می‌شود و پس از آن به بهره تعهد و در آخر به اصل تعهد. در واقع حتی با مشخص کردن ایفاء تعهد موردنظر ایفاء مستقیماً بر تعهد منتسب نمی‌شود و باعث سقوط نمی‌شود بلکه ایفاء ابتدا به هزینه ناشی از تعهد و بعد از آن به بهره تعهد و در آخر به اصل تعهد منتسب می‌شود.

۲) تعیین تعهد بعد از ایفاء

ممکن است متعهد در زمان ایفاء تعهد مشخص نکرده باشد که این ایفاء منتسب به کدام تعهد می‌باشد اما باتوجه به بند دو، متعهدله می‌تواند بعد از گذر مدت زمان معقول از اجرای تعهد به متعهد اعلام دارد که این ایفاء نسبت به کدام تعهد می‌باشد. البته به شرطی که زمان ایفاء تعهد رسیده باشد و مورد اختلاف نباشد.

۳) در صورت عدم انتساب تحت بند اول و دوم

اگر تعهد موردنظر توسط متعهد تعیین نشود و یا بعد از مدت زمان معقول پس از ایفاء متعهدله اعلام ندارد که این ایفاء نسبت به کدام تعهد می‌باشد در این صورت ایفاء به تعهداتی که در ذیل به ترتیب مقرر می‌شود منتسب می‌شود:

- ۱) تعهدی که موعد آن رسیده و یا اولین تعهدی که موعدش می‌رسد؛
- ۲) تعهدی که متعهدله در برابر آن کمترین تضمین را دارد؛
- ۳) تعهدی که بیشترین میزان مسئولیت را برای متعهد به بار می‌آورد؛
- ۴) تعهدی که قبل از همه تعهدات بوجود آمده است.

اگر هیچ یک از این شرایط مصداق نداشته باشند در این صورت ایفاء به همه تعهدات بطور متناسب اعمال می‌شود. البته لازم به ذکر است که هرچند در ماده (۶-۱-۱۲) اصول قراردادهای تجاری از واژه تعهدات پول استفاده کرده و ممکن است اینگونه تلقی شود که اصول تعهدات قراردادی درخصوص تعدد تعهدات، بین

تعهدات پولی و غیرپولی تفاوت قائل شده است، در حالیکه در ماده (۶-۱-۱۳) مقرر داشته است: ماده (۱۲-۱-۶) با تطبیق‌های مناسب در مورد انتساب تعهدات غیرپولی نیز اعمال می‌شود. بنابراین قانون انتساب تعهدات بین تعهدات پولی و غیرپولی تفاوتی قائل نمی‌شود و این قانون بر هر دو نوع تعهدات اعمال می‌شود.

۳- مکان ایفای تعهدات قراردادی در حقوق ایران

در حقوق ایران ماده (۲۸۰) ق.م.مقرر می‌دارد: (انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده بعمل آید مگر اینکه بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضاء نماید). باتوجه به ماده فوق‌الذکر قانون مدنی ایران در مورد تعیین مکان ایفاء تعهدات ترتیب خاصی را قائل شده است.

برای تشخیص محل ایفاء تعهدات ابتدا باید به قرارداد رجوع کنیم، باتوجه به اصل آزادی قراردادهای (ماده ۱۰) ق.م. طرفین در انتخاب محل ایفاء تعهد آزاد هستند و می‌توانند با توافق خود محلی را برای ایفاء تعهد انتخاب کنند که چون توافق خود متعاملین هست. بنابراین در این صورت مهم نیست که مکان اجرای تعهد، محل متعهد باشد یا محل متعهدله. در صورت تعیین محل، متعاملین باید تعهدات خود را در آن محل ایفاء کنند. اگر مکان مشخصی برای ایفاء تعهدات در قرارداد توسط متعاملین مشخص نشده باشد در این صورت باید به عرف و عادت رجوع کنیم. برای مثال اگر مورد معامله گندم باشد و طرفین محل مشخصی را معین نکرده باشند، ایفاء تعهد در میدان مختص به فروش گندم تسلیم متعهدله می‌گردد (امامی، پیشین: ۳۸۴).

اگر مورد تعهد بگونه‌ای باشد که در عرف نیز اقتضاء خاصی ندارد و محل ایفاء نیز مشخص نشده باشد یعنی هیچ یک از این دو فرض محقق نباشد، تعهد باید در محل انعقاد عقد ایفاء گردد؛ مثلاً اگر در تهران تاجری به تاجر دیگر ده توپ قماش بفروشد، باید مبیع را در تهران به خریدار تسلیم کند مگر آنکه مکان دیگری در قرارداد معین شده باشد یا اینکه عرف و عادت اقتضاء کند که پارچه‌ها در مکان دیگری به خریدار تسلیم شود (شهیدی، ۱۳۹۶: ۱۷۷). البته ماده‌های (۷۴۲) ق.م.نسبت به عقد کفالت و ۲۲ ق.آ.د.م. تلویحاً محل اجرای تعهد ناشی از عقود را در مکان وقوع عقد می‌داند و ماده (۳۷۵) ق.م.نسبت به عقد بیع از همین قاعده پیروی می‌کنند (لنگرودی، ۱۳۹۸: ۱۸۲). باتوجه به برخی شرایط هرگاه توافق طرفین بر اجرای تعهد در محل وقوع عقد باتوجه به فراین موجود، منتفی باشد. در این صورت، به استناد اصل برائت باید ذمه متعهد را نسبت به زاید بر تسلیم مال در محل وقوع آن یا انجام عمل در اقامتگاه متعهد آزاد دانست. مانند اینکه یک بازرگان تهرانی و یک بازرگان اصفهانی در حال سفر در داخل هواپیما مبادرت به عقد بیع کنند. در این مثال، متعهد را نمی‌توان ملزم به ایفای تعهد در مکان خاصی دانست (شهیدی، ۱۳۹۵: ۵۱).

باید توجه داشت در موردی که موضوع تعهد، انتقال یا تسلیم عین غیرمنقول است، ماده (۲۸۰) ق.م.ب.طبیعت آن تعهد منافات دارد و اینگونه تعهدات باید در محل موضوع تعهد انجام شود و با استناد به قانون آئین دادرسی

مدنی، دادگاه صالح برای رسیدگی به ادعا نیز دادگاه همان محل است (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۲۳). بدین ترتیب حکم ماده (۲۸۰) ق.م.ناقص و ناهمگون با سایر قواعد عمومی اجرای تعهد است و باید آن را به تعهدهای منقول قراردادی اختصاص داد. در تعهدی که موضوع آن غیرمنقول است، بی‌گمان عرف نیز اقتضاء دارد که محل وقوع ملک، مکان تأدیه باشد. ولی باید اعتراف کرد که مبنای عرف نیز طبیعت وفای به عهد است و در این راه استقلال ندارد و حق این بود که قانون به مبنای اصلی اشاره کند (همان، ۲۲۵).

یکی دیگر از حقوقدانان مکان اجرای تعهد در حقوق ایران را در دو بخش مربوط به حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی در نظر گرفته و در سطح حقوق بین‌المللی به ماده (۹۶۸) ق.م.اشاره کرده که مقرر می‌دارد: (تعهدات ناشی از عقود، تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند). در تحلیل و بررسی این ماده اشاره شده است که این ماده از یک اصل و یک استثناء تشکیل شده و مطابق با آن، اصل در این ماده قانون محل وقوع عقد می‌باشد که بر عقد حکومت می‌کند، و استثناء این ماده این است، که اگر طرفین یک عقد که در ایران واقع می‌شود هر دو از اتباع خارجی باشند و در آن عقد ضمناً یا تصریحاً قانون دیگری را بر عقد قرار دهند، اراده متعاقدين مذکور حاکم خواهد بود. اما در نهایت با تحلیل و بررسی به این نتیجه می‌رسیم که ظاهراً ماده (۹۶۸) ق.م.ارتباطی به مکان اجراء تعهدات ناشی از عقود در سطح بین‌المللی ندارد و مقنن تلویحاً قبول کرده است که در روابط بین‌المللی هم مفاد ماده (۲۸۰) ق.م.حکومت می‌کند، زیرا اگر متعاقدين بخواهند که تعهد، در مکانی غیر از مکان حدوث^{۱۳۳} عقد اجرا شود این خواسته را باید بنحوی با صراحت بگویند و این از بدیهیات است (لنگرودی، ۱۳۹۸: ۱۸۳). لازم به ذکر است که در قانون مدنی میان تعهدات پولی و غیرپولی از حیث مکان اجرا تمایزی وجود ندارد و در عقد بیع که ثمن معمولاً وجه نقد است اشاره‌ای به مکان تسلیم نشده است (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۵: ۵۳۰).

۴- مکان ایفاء^۱ تعهدات قراردادی در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده (۶-۱-۶) بطور مفصل در دو بند به مکان ایفاء تعهدات قراردادی پرداخته است. هرچند در متن ماده صراحتاً به مکان ایفاء تعهدات در صورت تعیین محل اجرا نپرداخته است اما می‌توان از شرح رسمی ذیل ماده و همچنین متن ماده نحوه ایفاء تعهدات قراردادی را در صورت تعیین و عدم تعیین، در قرارداد بررسی کرد.

^۱ Place of performance

در بند اول ماده (۶-۱-۶) اصول قراردادهای تجاری به مکان ایفاء تعهدات قراردادی در صورت عدم تعیین توسط متعاملین پرداخته است. این ماده برای مکان ایفاء تعهدات در صورت عدم تعیین در قرارداد و عدم قابلیت تشخیص از متن قرارداد، دو وضعیت را در نظر گرفته است و برای تعهدات پولی و غیرپولی تفکیک قائل شده است. طبق این ماده در صورت عدم تعیین مکان ایفاء، تعهدات پولی در محل تجاری متعهدله (که با ماده (۵۷) کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا در یک خط قرار دارد) و تعهدات غیرپولی در محل تجاری متعهد باید ایفاء گردند. برای مثال: شخص (الف) می‌خواهد برخی از مهندسان در کشور دیگری که آنها برای مدتی در آن استخدام می‌شوند زبان انگلیسی را آموزش ببینند. اگر هیچ شرطی مبنی بر مکان ایفاء تعهد در قرارداد تعیین نشده باشد در این صورت آموزش دروس باید در محل تجاری شخص (ب) انجام گیرد و هزینه دروس هم (که تعهد پولی محسوب می‌شود) باید در محل تجاری شخص (ب) ایفاء گردند. این مفید است که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی با یک قانون پیش فرض در مورد مکان ایفاء تعهدات قراردادی ارائه واضحی می‌کند در حالیکه بخش مربوط به تعهدات غیرپولی این ماده با صلاحیت قضایی^۱ در یک خط قرار دارد و انتظارات در سراسر جهان باتوجه به مکان اجرای تعهدات پولی متفاوت است و قانون انگلیس و تعدادی از کشورهای دارای قانون نوشته از راه‌حل‌های پیش فرض برای با برخی کشورهای دیگر دارای قانون نوشته متفاوت هستند (Bonell, 1997). البته اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده‌های (۶-۱-۹) و (۶-۱-۱۰) بطور مفصل به تعهدات پولی و واحد پولی پرداخته است.

۱۳۴

باتوجه به شرح ذیل ماده، زمانی که مکان ایفاء صراحتاً در متن ماده مشخص باشد و یا قابل تعیین باشد در این صورت این مسئله روشن است که برای مثال تعهد به ساختن باید در محل ساخت و ساز ایفاء گردد و تعهد به حمل و نقل کالا باید مطابق با مسیر توافق شده ایفاء گردد. در واقع متعاملین باید طبق توافق خود عمل کنند.

در بند دوم ماده (۶-۱-۶) اصول قراردادهای تجاری امکان تغییر مکان تجاری طرفین را پیش‌بینی کرده است و مقرر می‌دارد: (یک طرف باید هزینه‌های اضافی بوجود آمده برای ایفاء تعهدات ناشی از تغییر مکان تجاری خود که در قرار داد متعاقباً مشخص شده است، متحمل شود). با استناد به این ماده برای مثال اگر مکان تجاری متعهدله که در قرارداد مشخص شده است تغییر کند و باعث ایجاد هزینه اضافی برای متعهد شود در این صورت هزینه‌های اضافی ناشی از ایفاء در مکان متعهدله برعهده متعهدله می‌باشد و بالعکس اگر مکان تجاری متعهد تغییر کند و هزینه اضافی بر خودش وارد شود، این هزینه اضافی وارد آمده برعهده متعهد می‌باشد.

¹ Jurisdiction

البته در برخی موارد یکی از طرفین قرارداد یا هر دو آنها دارای بیش از یک مکان تجاری هستند که با توجه به این مسئله؛ اگر طرفی که محل تجاری او بیشتر از یک مکان باشد، با در نظر گرفتن شرایط مشخص یا شرایطی که طرفین در زمان انعقاد قرارداد انتظار دارند، مکان ایفاء تعهد مکانی هست که نزدیکترین ارتباط را با قرارداد و اجرای آن داشته باشد (Felemegas, 2007: 347).

نتیجه گیری

باتوجه به بررسی‌های انجام شده ایفاء تعهدات قراردادی از مهمترین بخش قرارداد محسوب می‌شود که متعاملین باید تعهدات خود را در زمان و مکان مقرر ایفاء کنند. ولی گاهی این اتفاق می‌افتد که متعاملین در قرارداد هیچ اشاره‌ای به زمان و مکان ایفاء تعهدات نمی‌کنند. حال با توجه به یافته‌ها، قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، این شرایط را پیش‌بینی کرده و برای هر یک قانون خاصی را در نظر گرفته‌اند که براساس قانون مدنی ایران در صورت تعیین زمان تعهد باید در زمان مقرر ایفاء گردد و در صورت عدم تعیین، زمان ایفاء تعهد از عرف تبعیت می‌کند و اگر عرف اقتضاء خاصی نداشته باشد تعهد حال محسوب می‌شود. اما این در حالیست که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی این مسئله را به شکل تعیین و عدم تعیین بررسی نکرده است، بلکه به صورت تعیین زمان ثابت و دوره زمانی مشخص موردنظر قرار داده است و در این خصوص متعهد اختیار دارد که در هر زمان از بازه زمانی مشخص شده تعهد خود را ایفاء کند در واقع متعهد^{۱۳۵} نوعی آزادی عمل در خصوص ایفاء تعهد دارد. اما قانون مدنی ایران زمان اجرای تعهد را به شکل بازه زمانی پیش‌بینی نکرده و در مورد این مسئله ساکت است. نکته قابل توجه این است که قانون مدنی ایران در مورد ایفاء پیش از موعد تعهدات توسط متعهد هیچ قانون مستقلی را در نظر نگرفته و حتی این مسئله را صراحتاً پیش‌بینی نکرده است اما با توجه به برخی ماده‌های قانون مدنی می‌توانیم اینگونه برداشت کنیم که متعهد، می‌تواند تعهدات خود را پیش از موعد ایفاء کند اما این کار نیاز به رضایت و موافقت متعهدله دارد. این در حالیست که برای موضوع اجرای تعهد پیش از زمان موعد، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ماده مستقلی را در نظر گرفته و با توجه به آن متعهد می‌تواند تعهد خود را پیش از زمان موعد انجام دهد و متعهدله نیز می‌تواند این ایفاء را رد کند ولی این اختیار و حق متعهدله به وجود نفع مشروع، مشروط می‌باشد. یعنی اگر هیچ نفع مشروعی در رد ایفاء پیش از موعد نداشته باشد متعهد می‌تواند با اثبات این مسئله، تعهد خود را ایفاء کند.

در مورد مکان اجرای تعهدات قراردادی، قانون مدنی ایران به شکل تعیین و عدم تعیین مکان، بررسی کرده و شرایط هر یک را در قانون مقرر داشته است که براساس قانون مدنی ایران اگر مکان ایفاء تعهد مشخص نشده

باشد در این صورت مکان اجرا از حکم عرفی تبعیت می‌کند و اگر عرف اقتضاء خاصی نداشته باشد تعهد باید در محل انعقاد قرارداد ایفاء گردد مگر اینکه موضوع تعهد مال غیرمنقول باشد در این صورت بدیهیست که تعهد باید در مکان مال غیرمنقول ایفاء گردد. در حالیکه در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی به مسئله تعیین مکان اشاره‌ای نکرده زیرا بدیهیست که تعهد در صورت تعیین مکان باید در آن مکان ایفاء گردد و بیشتر به مکان اجرای تعهدات قراردادی در صورت عدم تعیین پرداخته و بین تعهدات پولی و غیرپولی تمییز قائل شده است. براساس اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی باید تعهدات پولی در محل تجاری متعهدله و تعهدات غیرپولی در محل تجاری متعهد ایفاء گردند. این در حالیست که قانون مدنی ایران درخصوص مکان ایفاء تعهدات به تعهدات پولی و غیرپولی اشاره‌ای نکرده است. علاوه بر آن اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تعدد مکان تجاری طرفین را پیش‌بینی کرده و در صورت عدم تعیین محل ایفاء در اینگونه شرایط، مکانی را در نظر گرفته که نزدیکترین ارتباط را به قرارداد و ماهیت آن دارد. این در حالیست که قانون مدنی ایران هیچ اشاره‌ای به تعدد مکان طرفین نکرده و این موضوع را پیش‌بینی نکرده است.

فهرست منابع

فارسی:

۱۳۶

- ۱- امامی، حسن (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۳۷، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۲- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم (۱۳۹۵)، حقوق تعهدات، چ ۲، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۳- شعاریان، ابراهیم و قربانزاده، محمد (۱۳۹۲)، «مبانی حقوقی و فقهی اجرای پیش از موعد قرارداد با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی»، دو فصلنامه حقوق مدنی، س ۲، ش ۱.
- ۴- شهیدی، مهدی (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، تعهدات، چ ۲۰، تهران: انتشارات مجد.
- ۵- شهیدی، مهدی (۱۳۹۶)، سقوط تعهدات، چ ۱۱، تهران: انتشارات مجد.
- ۶- صفایی، حسین (۱۳۹۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، چ ۲۸، تهران: نشر میزان.
- ۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، دوره حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چ ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، نظریه عمومی تعهدات، چ ۵، تهران: نشر میزان.
- ۱۰- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۸)، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، چ ۵، تهران: کتابخانه گنج دانش.

لاتین:

- 11- Bonell, Michael Joachim (2018). UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts: An Article-by- Article Commentary, *Kluwer Law International* (2018) pp. XI - XII
- 12- CanAksoy, Hüseyin(2014). Impossibility in Modern Private Law A Comparative Study of German, Swiss and Turkish Laws and the Unification Instruments of Private Law; *Springer International Publishing Switzerland*.
- 13- Carr, Indira & Stone, Peter (2014). *International Trade Law*, Fifth edition published in 2014, By: Routledge; Abingdon.
- 14- Felemegas, John (2007). *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York; Information on this title: www.cambridge.org/9780521868723
- 15- Glitz, Fredrico and Eduardo Zending (2014). *Globalization of Contractual Law: A Brazilian Perspective*, Caritiba.
- 16- Kono, Toshiyuki (2018). Transnational Commercial and Consumer Law Current Trends in International Business Law, *Springer Nature Singapore*, Pte Ltd. <https://doi.org/10.1007/978-981-13-1080-5>